

راز خانه فساد بر ملا شد

دختر جوان که پسر مورد علاقه‌اش او را فریب داده و گرفتار یک بانده فساد کرده بود با ارسال آدرس محل اسارتش راز یک خانه فساد را برملا کرد.

به گزارش مادران و دختران به نقل از «ایران»، اواخر سال گذشته زوج جوانی به پلیس مراجعه کرده و از ناپدید شدن دختر 18 ساله‌شان خبر دادند. مادر مهسا، دختر ناپدید شده در تحقیقات گفت: صبح امروز دخترم به بهانه رفتن به کلاس زبان از خانه خارج شد و دیگر از او خبری ندارم. هر چه با تلفن همراهش تماس می‌گیرم خاموش است. مهسا طلاهای من و خودش را که حدود 3 میلیارد تومان ارزش داشت نیز برده است. دخترم برای کنکور درس می‌خواند و بچهای نبود که بخواهد بدون اجازه و بی‌خبر از خانه بیرون برود و برنگردد.

با شکایت زوج جوان، تحقیقات برای یافتن مهسا آغاز شد و چند روز بعد، مادر مهسا بار دیگر به پلیس مراجعه کرد و گفت: وقتی دخترم ناپدید شد، تصاویر او را در فضای مجازی منتشر کردیم و از مردم خواستیم که در پیدا کردن دخترم به ما کمک کنند. چند نفری تماس گرفتند و مدعی شدند که از سرنوشت دخترم مطلع هستند. حتی پیشنهاد دریافت پول دادند تا محلی را که دخترم در آنجاست به ما بگویند. اما وقتی به محل قرار با یکی از آنها رفتیم و به درخواستشان مبلغی پول به صورت دلار در محلی که گفته بودند قرار دادیم، فهمیدیم آنها دزد بودند و با این شگرد از ما پول گرفتند و با احساساتمان بازی کردند.

او ادامه داد: برای پیدا کردن دخترم هر راهی را که فکرش را کنید رفتیم اما بی‌فایده بود. تا اینکه امروز دوست مهسا به سراغمان آمد و گفت امروز از یک شماره ناشناس برایم آدرس محلی را ارسال کردند بعد هم پیامی آمد که از مهسا بود نوشته در یک خانه زندانی است و نیاز به کمک دارد. با اطلاعاتی که زن جوان در اختیار تیم تحقیق قرار داد، بلافاصله مأموران راهی محل شده و با شناسایی خانه مورد نظر، دختر جوان را آزاد کردند.

در اسارتگاه مهسا، مأموران مرد جوانی به نام شایان را نیز بازداشت کردند. مهسا در تحقیقات گفت: در فضای مجازی با شایان آشنا شدم و بعد از مدتی هم با پیشنهاد [ازدواج](#) او مواجه شدم. شایان پسری خوش تیپ بود و به او علاقه‌مند شده بودم اما از آنجایی که می‌دانستم خانواده‌ام با این ازدواج موافقت نمی‌کنند به درخواست

شایان با طلاهای خودم و مادرم از خانه فرار کردم. فراری که زندگیام را نابود کرد. به همراه شایان به خانه‌ای رفتیم که خانه فساد بود و زنی به نام ملیکا گرداننده آن بود. من در این خانه قربانی افرادی می‌شدم که ملیکا آنها را به خانه می‌آورد. یک شب که شایان مست کرده بود و به خواب عمیقی رفته بود از گوشی او پیامی برای دوستم ارسال کردم و پیام‌ها را بلافاصله پاک کردم تا ماجرا لو نرود.

شایان نیز در تحقیقات گفت: من در جست‌وجوی کار بودم که با زنی به نام ملیکا آشنا شدم. پیشنهاد وسوسه‌کننده ملیکا باعث شد تا عضو گروهش شوم. طبق گفته ملیکا چون من پسر خوش‌قیافه‌ای بودم باید با دخترهای کم‌سن و سال یا دم‌بخت دوست می‌شدم و به آنها ابراز علاقه می‌کردم. وقتی از عشق آنها به خودم مطمئن می‌شدم بعد آنها را وسوسه می‌کردم که با سرقت پول و طلاهای خانواده از خانه فرار کنند تا با هم ازدواج کنیم بعد هم آنها را به خانه ملیکا می‌بردم و به او تحویل می‌دادم. به غیر از مهسا، چند دختر دیگر هم هستند که با آنها وارد ارتباط شدم تا به خانه ملیکا بکشانم‌شان.

با اعترافات شایان و اظهارات دختر جوان، به دستور بازپرس جنایی تحقیقات برای بازداشت ملیکا و سایر اعضای این باند ادامه دارد.